

مدارس هوشمندند

● شیبیا ملک

اپیزود دوم

آن چه شنیدیم:

مدرسه ما در محله ثروتمندی نیست. ما امکانات محدودی داریم. اصلاً فکر نمی‌کنم به آن چه داریم، مدرسه هوشمند بگویند. هر معلم در حد بضاعت خود تلاش می‌کند از رایانه استفاده کند؛ برای همین اگر سر کلاس می‌روید، منتظر اتفاق فوق‌العاده‌ای نباشید.

آن چه دیدیم:

بچه‌ها در گروه‌های دو نفره مقابل رایانه نشسته‌اند و تمرینی را که دبیر زبان برایشان گذاشته است، تکمیل می‌کنند. دبیر به تناوب از روی رایانه خود صفحه‌های نمایش مقابل بچه‌ها را کنترل می‌کند. با اعلام پایان فرصت حل تمرین، دبیر می‌گوید: «خب بچه‌ها، من کار یک گروه را برای همه شما روی رایانه‌هایتان نمایش می‌دهم. آن را بررسی کنید و ایراداتش را بگویید.» همه بچه‌ها شروع به نظر دادن می‌کنند. به این ترتیب بچه‌ها هم بلند فکر می‌کنند و هم بلند نظر می‌دهند! رایانه هم به آنها کمک کرده است تا فعالیت یکدیگر را هم‌زمان ببینند.

اپیزود اول

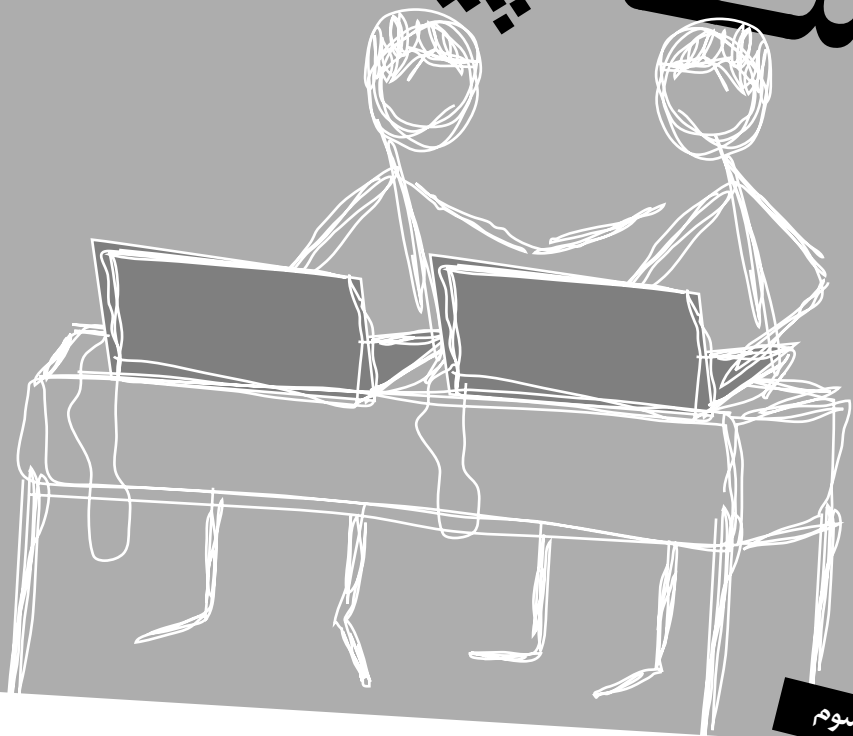
آن چه شنیدیم:

در این مدرسه هوشمند از تخته هوشمند یا (Smart board) به جای تخته سیاه استفاده می‌شود. هدف ما این است که لپ‌تاپ عمده‌ترین لوازم‌التحریر دانش‌آموز باشد. او دیگر هر سال کتاب درسی و دفتر نخرد و به جای مداد و کاغذ، از لپ‌تاپ استفاده کند. (باور کنید عین شنیده‌هایمان بود!)

آن چه دیدیم:

در یکی از کلاسهای مدرسه، در کنار تخته هوشمند، دانش‌آموزی ایستاده است. او با ذوق رنگ قلم را انتخاب می‌کند. دبیر (کتاب در دست) می‌گوید: «بنویس دخترم: این مسئله، چهار جنبه دارد...» دانش‌آموز عیناً جملات معلم را با قلم بنفش می‌نویسد. سی و چند عدد قلم روی کاغذها می‌چرخد: «این مسئله چهار جنبه دارد...» همه بچه‌های کلاس به کمک تخته هوشمند جزوه‌برداری می‌کنند.

درسه اییزود



اییزود سوم

آن چه شنیدیم:

در مدرسه ما، رایانه بخشی از کلاس است و نه همه آن. تازه شروع به کار کرده‌ایم. دوست داریم از همه کس و از هر جا که اتفاق تازه‌ای در زمینه آموزش با رایانه روی می‌دهد، با خبر شویم. کاغذ، دفتر، دست‌سازه و رایانه هر کدام در جای خود به کار گرفته می‌شوند. در مدرسه ما مدیر و معلم، والدین و دانش‌آموزان همه در حال یادگیری هستند. ما هنوز تازه کاریم.

آن چه دیدیم:

در دیوار کلاس پر است از کاردستی بچه‌ها. آنها در گروه‌های دو نفره مشغول حل تمرین هستند. معلم در حال وارد کردن گزارش کلاس خود در وبسایت مدرسه است. کمی بعد، فعالیت بچه‌ها تمام شده و معلم روی ال‌سی‌دی بزرگی که بالای تخته است، با یک نرم‌افزار درس «ا» را نمایش می‌دهد. «اردک»... بچه‌ها با رایانه تکرار می‌کنند و هم زمان تصاویر را می‌بینند. داستانی روی صفحه نمایشگر ارائه می‌شود و بچه‌ها هم زمان این داستان را می‌شنوند به دنبال آن، روی صفحه نمایشگر چند حیوان و یک سبد را می‌بینیم. معلم همراه با رایانه، از بچه‌ها می‌خواهد کلماتی را که «ا» دارند، در سبد قرار دهند.

دختر کوچولویی از انتهای کلاس داوطلب می‌شود و می‌آید «ماوس» خانم معلم را می‌گیرد. او ماوس را به انتهای کلاس می‌برد و آن را روی میز خودش حرکت می‌دهد. در مقابل چشمان حیرت‌زده ما بچه‌ها نظر می‌دهند: «اردک را drag کن... آهان... او اردک را می‌کشد تا در سبد قرار دهد، اما موفق نمی‌شود. (اردک برمی‌گردد سر جایش!) بچه‌ها داد می‌زنند: «روش کلیک نکردی!»

حالا دختر موفق می‌شود همه کلماتی را که «ا» دارند، در سبد قرار دهد؛ آن هم با ماوسی که چند متر دورتر از رایانه کلاس و روی میز تحریرش است و با همراهی دوستانش که هنوز خواندن و نوشتن را خوب نمی‌دانند، اما تا بخواهید از رایانه سر در می‌آورند!